

"بسمه تعالی"

گستره‌ی وظایف زن در خانواده «زیمی‌های حکم خدا»

دکتر ع. مه‌خانی

مقدمه

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۱ از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است. هبوط آدم ابوالبشر و همسرش حوا به عالم خاک و ورود این دو طرد هم‌اندیش و مهربان از عالم افلاک، حقیقت مستوری بود که قرآن کریم با نظری شریها و دلنشین از آن پرده برداشت و رمز آرامش و صعود هماهنگ را برای نوع بشر، در پناه زوجیت آشکار ساخت. گرچه این فرود برای آن زوج نخستین ناگوار و بسطرد دردناک بود، اما سایی همسری و همتایی خویش توانستند سرهای عروجی زکی را ترسیم و برای زمی‌کنن همدلی و تفاهم را تشریح کنند. آن‌گاه که هر دو با عزمی راسخ و قلبی نادم ولی مطمئن به عنایت خالق، توبه کردند و زمزمه‌ی ندامت سردادند و زندگی دشوار زمی‌ی را بر مبنای رجوع به حق و استمداد از او آغاز کردند، این نظم عملی را از فراسوی زمان و مکان به گوش فرزندان خویش رسانند که در سایی زوجیت و در پناه هم‌اندیشی و همسری می‌توان همه‌ی فرازونشیب‌ها و پستی‌وبلندی‌های زندگی زمی‌ی را در نوردی و دیگر بار به روشنایی و نور رسید.

کانون خانواده

بنابراین، سنت زیمی ازدواج امری فطری و طبیعی است که از روز نخستین در زندگی بشر بوده است و برای اساس، در همه‌ی شرائع و جوامع مدنی صالح، پیروان بدان ترغیب می‌شوند. بر هیچ انسان خردمندی پوشیده نیست که سلامت و امروخت جوامع در گرو سلامت و امروخت خانواده است و حتی حفظ و گسترش

^۱ سوره‌ی روم، آیه‌ی ۲۱

قدرت ملی و استقلال سرکسری و اقتصادی، ریشه در استحکام بنای خانواده دارد؛ زیرا توانمندی و صلاحیت جامعه، حاصل توانایی افراد آن است و این توانایی جز در سایه صلابت و استحکام خانه و خانواده شکل نمی‌گیرد. امی مؤمنان علی (علیه السلام) در به مالک اشتر می‌فرماید: «ثمَّ أَلْصِقْ بِذَوِي الْأَحْسَابِ وَأَهْلِ الْبَهَائِتِ الصَّالِحَةِ وَالسَّوَابِقِ الْحَسَنَةِ....»^۲، ای مالک در امور حکومت، انسان‌هایی را به کار بگمار که از شرافت خانوادگی و حسب و نسب لازم برخوردار باشند و در خانه‌های شایسته رشد و پرورش یافته باشند؛ زیرا ریشه‌های کرامت و بزرگواری و فضیلت از آنجا آغاز می‌شود. در کلامی دیگر، می‌فرماید: «إِذَا كَرُمَ أَصْلُ الرَّجُلِ كَرُمَ مَعْيُهُ وَمَحْضَرُهُ»^۳ اگر انسان از کرامت و اصالت خانواده برخوردار باشد، دیگر به مراقب و نگهدار نیازی ندارد و در حضور و غیاب، رفتارش پسندیده و یکسان است.

این همان دغدغه‌ی انسان امروزی است که موجب نگرانی جوامع بشری شده است تا آنجا که پیوسته اندیشمندان جوامع را به اعترافی تلخ درباره‌ی حکایت جدایی بشر از این اصل واداشته است. «ژوسران» دانشمند فرانسوی می‌گوید: «تاریخ به ما می‌آموزد که تواناترین ملت‌ها مللی بوده‌اند که خانواده در آنها قوی‌ترین سازمان را داشته است»^۴. اگر ریشه‌های مفاسد و بزهکاری را ارزیابی کنیم، درمی‌یابیم که عمده‌ترین مشکلات از ناحیه‌ی انسان‌هایی متوجه جامعه می‌شود که در پناه خانواده رشد یافته‌اند و کمبودهای عاطفی و اخلاقی آنان را تباہ کرده است. در تحقیقی که بعد از جنگ جهانی دوم صورت گرفت، این مسئله روشن شد که کودکان بی سرپرست جنگی، همان‌ها که تربیت شان به مراکز دولتی و پرورشگاه‌ی واگذار شد، به لحاظ عاطفی و احساسی، در مقایسه با کودکانی که در خانواده پرورش یافته‌اند، کمبودها و خلأهایی دارند که این کمبودها حتی بعد از یک سالگی نیز بروز و ظهور می‌کند.^۵

از یک سو، ثبات، اقتدار و پیوستگی و همبستگی در خانه و خانواده، اثری بسیار بزرگ بر استحکام، پویایی، اقتدار و بالندگی جامعه دارد و در صورت فقدان ملی وجود خلل در آن، هیچ نهاد و سازمان مجهزی نمی‌تواند جای آن را بگیرد. از این رو، دولت‌ها باید مقدمات ازدواج مردمان را فراهم کنند تا جامعه ای آرام، امن و بالنده داشته باشند. از سوی دیگر، هرچه از عمر زندگی اجتماعی انسان می‌گذرد، اهمیت و نقش خانواده

^۲. نهج البلاغه، عهدنامه‌ی مالک اشتر

^۳. غرر الحکم، ص ۳۲۷

^۴. حقوق خانواده، دکتر سید حسین صفایی، دکتر اسدالله امامی، ص ۱۵

^۵. همان مرجع

روشن‌تر می‌گردد و رعایت اصول و ضوابط شرعی و پذی‌ش حقوق و وظایف متقابل از سوی زوجین ضرورت بیشتری می‌طلبد. لذا در این نوع از قانون‌گذاری محوریت حق‌سالاری بر پای‌ی مصلحت و تکامل خانواده است و هرگونه فردیت، چه در قالب مردسالاری و چه در قالب زن‌سالاری، نفی می‌گردد و در واقع، ازدواج همان الفت و مؤانست‌ی است که طهیت انسان طالب است.

در این گفتار بر آن‌هم که بنا بر روایت و سر‌یه‌ی ائمه (علیهم‌السلام) و زین حکمت هر یک از اوامر و نواه‌ی، بحث کوتاه درباره‌ی وظایف زن بکنیم و موارد نشوز را بر شم‌ریم. گستردگی و وسعت روایت در این عرصه ما را بر آن داشت تا در نوع وظایف زنان تقس‌یمانی صورت پذ‌ی‌د.

الف: الگوهای رفتاری

روایت‌ی درباره‌ی زکیایی‌های رفتاری زن

در این دسته از متون، به الگوهای رفتاری زنان اشاره شده و خود بر دو بخش است: نخست، معرفی بهترین‌ی زناری که ش‌یه‌های رفتاری آنان تأیید و تحسین شده است؛ دوم، معرفی زنان بدکرداری که به دلیلی نوع عملکرد و تخلف‌شان از وظایف، نکوهش شده‌اند. به هر روی، این دسته از روایت مهم‌ترین وظیفه‌ی زوجین را حسن سلوک و زکیایی در رفتار و معاشرت ب‌گو می‌دانند. از آن‌جاکه در تقس‌یم وظایف و تدب‌ی امور منزل، مسؤلیت آرامش و سکونت خانواده به عهده‌ی زن گذاشته شده است و ک‌ی‌های عاطفی و روابط قلب‌ی و رواری در دست اوست، لذا قانون‌گذار حکم هستی بر اساس طبیعت خاص زنان که مظهر مودت و رحمت حق و مظهر زکیایی خلقت است، انتظاری بزرگ از زن دارد و مسؤلیت عظیمی بر دوش او نهاده است. از همین رو و برای پره‌ی از تشنج‌آفرینی، خداوند زشت‌خویی و ترش‌رویی مادر و همسر را بسیار مذمت می‌کند. در حقیقت، چون او اساس شکل‌گیری هویت خانواده است و حتی شخصیت اجتماعی همسر و فرزندان متأثر از فاعلیت اوست، لذا سعادت و شقاوت خانواده به وابسته می‌شود. در روایت، سعیدترین مرد کسی دانسته شده که همسری شایسته دارد. برخی از این روایات:

۱ - مرحوم کلینی از امام رضا (علیه السلام) نقل می‌کند: «ه‌ج فائیه‌ای به کسی نمی‌رسد بهتر از این‌که برای او بانویی باشد که نگاه و مصاحبت با او موجب سرور و شادمانی همسر باشد؛ چنین زنی در غلب شوهر، امانت‌دار و حافظ حرم خویش و خانواده و اموال شوهر است».^۶

۲ - امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «مردی نزد رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌آید و می‌گوید: همسری دارم که هرگاه به خانه می‌روم، به استقبال می‌آید و هرگاه از منزل بیرون می‌روم مرا بدرقه می‌کند. وقتی مرا اندوهگین می‌بیند، می‌گوید: چه چیزی تو را اندوهناک کرده است؟ اگر برای معشیت دربی ناراحتی که دیگری عهده‌دار روزی توست و اگر برای آخرت ناراحتی، خدا بر هم تو نفعی. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: (ای مرد) خداوند در زمین کارگزاری دارد و این بانوی تکی از آن‌هاست و به اندازه نیمی از ثواب شهادت پاداش می‌برد».

۳ - موسی بن جعفر (علیه السلام): «جهاد زن شوهرداری زکوی اوست».^۷

۴ - ورام بن ابی‌فراس در کتاب «تنبی الخواطر» از امام (علیه السلام) نقل می‌کند: «بدان‌که بانوی شایسته و صالح از هزار مرد غنی‌تر است و هر بانویی که به شوهر خود هفت روز خدمت کند، خداوند هفت درب آتش را بر او بسته و هشت درب بهشت را بر او باز می‌گشاید تا از هر یک که بخواهد وارد شود».^۸

۵ - امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر بانویی که در منزل شوهر، چیزی را جهت مصلحت زندگی زناشویی، جابه‌جا کند، خداوند بر او نظر رحمت کند و هر کس خدا بر او نظر کند، عذابش نمی‌کند».^۹

۶ - امی المؤمنین (علیه السلام) در جواب اصبع بن‌باته درباره‌ی جهاد و وجوب آن بر مردان و نفی وجوب از زنان، فرمودند: «جهاد زن در این است که در زندگی زناشویی صبر و مدارا پیشه سازد و در برابر رفتارهای ناهنجار و اذیت شوهر بردباری لازم را داشته باشد».^{۱۰} لازم به ذکر است که این‌گونه از روایت برای

^۶. وسایل الشیعه، کتاب النکاح، ح (۲۴۹۷۲)

^۷. همان، ص ۲۴۹۵۴

^۸. همان، ص ۲۵۳۱۴

^۹. همان، ص ۲۷۵۵۶

^{۱۰}. همان، ص ۱۹۹۳۶

ترغیب مرد به اذیت و آزار نیست، بلکه ازاین جهت است که اگر در سختی‌های روزگار مرد دچار بحران خاصی شد، زن به سبب مصالح زندگی با او مدارا کند.

۷ - عبدالله بن سنان به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌گوید: «بدترین زنان شما کسی است که خالی از صفات ارزشمند و زشت‌خو، لجوج، نافرمان باشد، زنی که در مطن قومش ذللی و در نزد خویش خود را عزیز و بزرگ می‌پندارد، درقبال شوی خویش انقیای وظیفه نکند و نسبت به او دریغ ورزد، ولی به غی شوهر خویش نهایت خضوع و تواضع بی‌جا از خود نشان دهد».^{۱۱}

۸ - در سخنی دیگر، شیخ صدوق در نقلی نسبتاً طولانی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، اثر نامطلوب سوءرفتار را در زن و مرد دو سوی ارزشی می‌کند. بخشی از آن روایت این گونه است: «کسی که خانمی دارد ولی او را در زندگی همراه نیست و به آنچه خدا بر او روزی کرده است مدارا و صبر ندارد و شوهر را تحت فشار قرار دهد و بر کاری وادارد که در توان او نیست، خداوند هیچ حسنه و کار خوبی را از او نمی‌پذیرد و این زن مورد غضب پروردگار خویش است، مادامی که این گونه رفتار می‌کند».^{۱۲}

حق‌مداری در تقسیم وظایف خانواده

این‌ها گوشه‌ای از روابط متعدد و فراوانی است که در نحوه‌ی تعامل رفتاری زن و مرد وارد گردیده است. در اغلب روایات، به وظایف هر دو طرف اشاره شده است و درکنار وظایف زن مسئولیت مردان نیز برشمرده می‌شود. البته، حکمت نیز همین امر را اقتضا می‌کند؛ زیرا نمی‌توان به گونه‌ای قانون‌گذاری کرد که از یک دسته حمایت بی‌اساس بشود و از دسته‌ی دیگر کار طاقت‌فرسا خواسته شود. همه‌ی قوانین باید در راستای تحکیم بنیان خانواده باشد که محور پیشرفت جامعه است. تحکیم خانواده مبتنی بر این است که زن و مرد هر دو به وظایف خود عمل کنند. ارسطو می‌گوید: «هیچ موجودی به غایت خود نمی‌رسد، مگر آنکه همواره وظیفه‌ای را اجرا کند که برای او مقرر است و این انجام وظیفه برای هر موجودی فضیلت است».^{۱۳}

^{۱۱}. همان، ص ۲۴۹۵۹، عقاب الاعمال ص ۴۶ و ۴۸

^{۱۲}. همان، ص ۲۵۳۱۵

^{۱۳}. آداب همزیستی و معاشرت، ص ۱۳

دکارت در موضوع صلاح جامعه می‌گوید: «صلاح کل بر صلاح جزء مقدم است و اگر کسی این حس را داشته باشد، مکارم والا از او ظاهر خواهد شد».^{۱۴}

قوه این اسلام در پی استحکام پایگاه خانواده است، یعنی تقویت کانونی که بنیادگذار همه‌ی سجایای ارزشی و تجلی‌گاه شکوه و یک پارچگی جامعه است. خانواده همان جایگاه‌ی است که بشر از صفات شرطی‌های دست می‌کشد و صفات رحمانی‌ای چون مودت، رحمت، فضل، عفو، اغماض و لطف را تمرین می‌کند. انسان در خانواده از فردیت و خودنگری بیخون می‌آید و به کمال زوجیت و زیبایی صفا و همدلی می‌رسد.

قانون مدنی و حسن معاشرت

ماده‌ی ۱۱۰۳: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند».^{۱۵} در ماده‌ی بعدی که می‌توان آن را متمم این ماده دانست این‌گونه آمده است: «زوجین در تشییع مباری خانواده و تربیت اولاد به یکدیگر معاضدت نمایند».^{۱۶} این ماده تعیین نوع و کیفیت این همکاری را با رجوع اشخاص به عرف معقول حل می‌نماید و به مقتضایت زمانی و مکانی در این جهت توجه می‌کند.

ب: زیبایی عفت

این دسته از روایات شامل متون متعددی می‌شود که ازسویی، تبرج و آرایش در برابر نامحرم را نفی و ازسوی دیگر، بر نظافت، پاکیزگی، پنهان‌سازی و آرایش بانو در منزل تأکید می‌کند. چنین رویکردی فوائد بسیاری دارد و آثار شگرفی در بهبود وضع خانواده می‌گذارد؛ ازجمله:

فایده‌ی اول: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ حُبُّ الْجَمَالِ وَ حُبُّ أَنْ يَثْرَ النِّعْمَةُ عَلَى عَبْدِهِ».^{۱۷} پروردگار بدیع و زیبا آفرین ظهور جمال و زیبایی را دوست دارد و چون زنان مظهر صفت جمال هستند، زینت برای ایشان زینده‌تر است. زیبایی زن در خانه بی‌شک تأثیر زیادی در تشدید جذابیت خانه برای مرد دارد. البته، مردان نیز درقبال زیبایی و رعایت بهداشت مسئول اند و این فکر که مرد به زینت ظاهر نیازی ندارد، فکر باطلی

^{۱۴}. همان

^{۱۵}. حقوق مدنی خانواده، دکتر کاتوزیان، ج ۱، ص ۲۱۹

^{۱۶}. همان، ص ۲۲۰

^{۱۷}. کافی، ج ۶، ۴۳۸

است که از سوی اسلام کاملاً مطرود است و مخالفت با سیره‌ی نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) است. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «بُسِّ الْعَبْدُ الْقَاذِرَةُ»^{۱۸} آدم کثیف و زولجده بنده‌ی بد و مذمومی است. در نظن دیگر، امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: «لَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءَ الْعَفَّةَ لِتَرَكَ أَزْوَاجَهُنَّ اللَّتَّيْنَ لَهُنَّ»^{۱۹} چه بسا بی‌توجهی مرد به رعایت آراستگی ظاهری موجب شود که زن از وادی عفت و پاکدامنی فاصله بگیرد.

فایده‌ی دوم: رعایت آراستگی و بهداشتی زن و انجام این وظیفه از سوی او درست در راستای مصلحت طبیعی زن به آرایش و بهداشت و خودآرایی و دلبری اوست و شریعت در صدد تعدیل و شکل‌بخشیدن صحیح به این تمایلی طبیعی زن برآمده است. از این رو، اسلام نه تنها برخی از زینت‌ها مختص زن قرار داده است (مثل طلا و ابریشم) بلکه تدارک آلات تنظیف و تزئین زن را وظیفه‌ی مرد قرار داده است.

فایده‌ی سوم: چنین رویکردی سبب ایجاد اعتماد بیشتر بین زن و مرد می‌شود؛ زیرا وقتی بیشترین حد آرایش و بهداشتی زوجین برای یکدیگر باشد، علاوه بر ایجاد و ازدواج عاطفی قلبی، موجب اطمینان زوجین نسبت به یکدیگر می‌شود. هر دو معتقد خواهند شد که تمامی ارادت و علاقه‌ی خویش را فقط در راه رضایت یکدیگر بهکار می‌کنند و بس. در چنین فضایی هرگونه سوءظن و عدم اطمینان در روابط خانواده محو می‌گردد و پای‌های نظام خانواده بر اساس حسن روابط استوار می‌گردد.

فایده‌ی چهارم: چنین راهی به امر بهت اجتماعی و سلامت روان جامعه می‌رسد. وقتی توجه زن به وظایف اصلی خویش در محور خانواده نباشد، زن که مبدأ آرامش و امر بهت خانواده است، جایگاه خویش را به عنصری نامطلوب می‌دهد که نه تنها خود از آزادی و امر بهت برخوردار نیست، بلکه جامعه را به سوی ناامنی می‌کشاند. چنین زن منحرفی عامل تیرج جاهلیت مدرن می‌شود. در واقع، او از اوج عزت بندگی حق و کرامت انسانی به حذیذ دنیا سقوط کرده است و به نام آزادی به اسارتی ننگین تن می‌دهد.

پیش‌نویس مورخ معروف غربی «ویلی دورانت» از سال ۲۰۰۰ و نگرانی او در مورد مسئله‌ی زنان و نابساماری خانواده در عصر مذکور قابل توجه است: «اگر فرض کنیم در سال ۲۰۰۰ مسیحی هستیم و بخواهیم بدانیم بزرگ‌ترین حادثه‌ی ربع اول قرن بیستم چه بوده است، متوجه خواهیم شد که این حادثه جنگ ملی انقلاب

^{۱۸}. کافی، ج ۶، ۴۳۹

^{۱۹}. مکارم الاخلاق، ۴۸۹

روسی نبوده است، بلکه دگرگونی وضع زنان بوده. تاریخ چنین تغییری تکان‌دهنده‌ای، آن‌هم در مدتی به ای کوتاهی، کمتر دیده است و خانه‌ی مقدس که پایی نظم اجتماعی ما بوده، شیوه‌ی زناشویی که مانع شهوت‌رایی و ناپایداری وضع انسان بود، قانون اخلاقی بی‌چینه‌ای که ما را از توحش به تمدن و آداب رسانده بود، همه آشکارا در این انتقال پراشویی که همه‌ی رسوم و اشکال زندگی و تفکر ما را گرفته است گرفتار گشته‌اند».^{۲۰}

روایاتی درباره‌ی وظایف سازنده‌ی زن در خانواده

۱ - امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره‌ی حقوق شوهر بر بانو، در پاسخ خانمی که از وظایف زن سؤال می‌کرد، فرمود: بانو وظیفه دارد با خوشبوتری عطرهاش خود را معطر کند و بهترین لباس‌هایش را برای شوهر بپوشد و با نیکوتری زینت‌هایش خود را بپوشد.^{۲۱}

۲ - جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند که حضرت در ارزیابی صفات زنان شایسته می‌فرماید: «بهترین زنان شما بانویی است که ... مهربان و عقیق است، در نی بستگان عزیزی و در برابر شوهر پندیش و انعطاف دارد (در برابر او گردن‌کشی نمی‌کند) آن‌گاه که در کنار شوهر خویش است، خود را می‌آراید، اما نسبت به دیگران خود را محفوظ می‌دارد (نی‌بندوباری نمی‌کند)».^{۲۲}

۳ - محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند: «سزاوار ریست بانو به خود نرسد، ولو در گردن خود گردن‌بندی نهدازد و سزاوار ریست رنگ‌کردن دستش را ترک کند، اگر چه با حنا مسح نماید».^{۲۳}

۴ - امام صادق (علیه السلام) از پدرش و او از جدش رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند: زن نباید برای غی شوهر خود، آرایش کند.^{۲۴}

^{۲۰}. حقوق زن در اسلام، استاد مطهری، ص ۳۷

^{۲۱}. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ح (۲۵۳۰۱)

^{۲۲}. همان، ح (۲۴۹۴۲)

^{۲۳}. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ح ()

^{۲۴}. همان، ح (۲۵۳۱۰)

۵ - اصیغ بن نباته از امی المؤمنین (علیه السلام) نقل می‌فرماید: «در آخر الزمان که بدترین زمان‌هاست، زناری ظاهر می‌شوند که این‌ها (عفت و حجاب) را کنار می‌زنند و به عرطلدی روی می‌آورند و (در منظر دیگران) با زینت و خودآرایی ظاهر می‌شوند. اینان از جرگه‌ی دنی خارج و به سوی فتنه‌ها پیش می‌روند. تمامی آنان به سوی شهوات است و برای لذت‌بردن عجله دارند و می‌کوشند حلال‌ها را حرام کنند. اینان همواره در جهنم خواهند ماند».^{۲۵}

۶ - عبدالله بن سنان از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند: «بدترین زنان شما کسی است که برای شوهرش پرهیزی و منع دارد (و زینتی‌هایش را بر او عرضه نمی‌دارد) ولی برای دیگران و غی شوهر تباهاکاری می‌کند».^{۲۶}

در همه‌ی این روایات به تحکیم بنای خانواده از درون و از طریق آراستگی ظاهری و باطری توصیف شده است. در واقع، ایجاد روابط سالم و صمیمانه و تعامل رفتاری و گفتاری ارزشمند به‌عنوان وظیفه‌ی دو طرف شمرده می‌شود و سهم زن در این میان این است که نظر شوهرش را جلب کند و باعث مصورت خانواده شود.

آرایش زن از دیدگاه امام خمینی (قدس سره)

حضرت امام خمینی (قدس سره) در تحریر الوسیله در این باره می‌فرماید: ترک وظایف و عدم رعایت حقوق همسری از جانب زن عبارت است از:

۱- آماده‌نساختن خود برای کامطلبی و عدم تمکین از سوی زن؛

۲- ازین نبردن آنچه مایعی تنفر انزجار و مانع ایجاد رابطه‌ی زناشویی و تمتع لازم است؛

۳- ترک نظافت و آرایش در صورتی که همسر خواستار آن است؛

۴- بیرون رفتن از خانه و غی از آن.

^{۲۵}. همان، ح (۲۴۹۶۱)

^{۲۶}. همان، ج ۱۴، ح (۲۴۹۵۹)

ایشان می‌فرماید: اگر زن از انجام خدمات خانه و نظّمندی‌هایی که در تمتعات زناشویی لحاظ نمی‌شود (مانند جارو زدن، خراطی، آشپزی و حتی آب‌دادن یا پهن کردن رخت‌خواب) خودداری کند، نشوز محسوب نمی‌شود.^{۲۷} بنابراین، عمده‌ترین وظایف زن ایجاد رابطه‌ی شایسته با شوهر از جهت رفتار و گفتار و تحسین قلوب و تسکین روان خانواده است.

قانون مدنی در ماده‌ی ۱۱۰۸ این چنین می‌گوید: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود».^{۲۸}

ج: عشق و وفاداری بانو

این دسته شامل روائیتی است که در آن‌ها بر وفاداری زن در برابر شوهر تأکید می‌شود. بی‌توجهی زن در قبال بچان زناشویی یکی از مفسدات و جرائم زن محسوب می‌گردد و هرگونه روابط نامشروع با غی همسر شدیداً مذمت می‌شود. این وظیفه هم طرفه‌ی است و اختصاص به زن ندارد؛ یعنی تعامل دوسویه است، لذا رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرماید: «نسبت به زنان مردم عفت باشد تا زنان شما عفت بمانند».^{۲۹}

۱ - رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله): بدترین زنان و شرورترین آنان کسی است که ارزشی در او کفایت نمی‌شود، وجودش تهی از فضائل شده است، به آلودگی دامن می‌زند، لجوج و عصیانگر و طغیانگر است، قوم خویش را با اعمالش ذلیل و خوار می‌کند، از درون خود را بزرگ می‌بیند [و از بی‌یون رفتارش موجب حقارت و پستی است]، از شوهر پرهیز می‌کند و از غی شوهر پروا و پاکدامنی ندارد و خود را به دیگری عرضه می‌دارد.^{۳۰}

^{۲۷}. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، کتاب النشوز والشقاق

^{۲۸}. نکاح و اغلال آن، سید مصطفی محقق داماد، ص ۲۵۶

^{۲۹}. وسایل الشیعه، ج ۱۴، باب تحریم النظر الی النساء الاجانب

^{۳۰}. همان، کتاب النکاح، ح (۲۴۹۶۰)

۲ - محمدابن مسلم از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند: خداوند با سه دسته سخن نمی‌گویی و ایشان را پاک نمی‌نماید و برایشان عذاب دردناکی مهیاست و یکی از آنها زری است که فراش و رختخواب شوهر خویش را در اختصار مرد دیگری قرار می‌دهد.^{۳۱}

۳ - امی المؤمنین (علیه السلام) پرسید: «آلی از بدترین نوع زنان خبر بدهم؟ گفتند: آری. فرمود: آن زری که با مرد دیگری در رخت خواب همسر می‌آمیزد [و شرمگنانه تر آنکه] فرزند دیگری را به شوهر تحمیل و ملزم می‌دارد. اوست آن بنده‌ای که خدا هرگز با نظر لطف به او نمی‌نگرد و روز قیامت او را مورد خطاب خود قرار نمی‌دهد و او را نمی‌آمرزد».^{۳۲}

شاید بسطی از ما با صرف دیدن برخی از روایات پی به اهمیت تأکیدی نبریم که شارع بر انجام وظایف زوجی دارد؛ اما وقتی انسان به تفکر و اندیشه می‌نشیند و به زوایای حقوق و اخلاق در خانواده فکر می‌کند، هر لحظه دقایق و ظرایف خاصی جلوه می‌کند و حکمت‌ها و اسرار نوعی ظاهر می‌شود که انسان را به حیرت وامی‌دارد. برای مثال، شایع ما کراً این آیه از قرآن را خوانده‌ایم: «... وَ مَرْجَحَ ابْنَتِ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا مِنْ رُوحِنَا»^{۳۳} اما به نقش پاکدامنی این بانوی بزرگ در ظهور شخصیتی چون عیسی توجه نکرده باشیم. این آیه مبین چند واقعیت در نظام هستی است:

اول: هر آنچه مصلحان جهان از ارزش‌ها دارند، حاصل پاکدامنی مادرشان است؛

دوم: پاکدامنی زن نقش جهانی و اثر بی‌المللی دارد؛

سوم: پاکدامنی زن عامل جاودانگی شخصیت او در تاریخ بشریت است؛

چهارم: مقدار ارزشمندی زن به مقدار تعبد او در مقابل حکم خدا و پاکدامنی اوست؛

پنجم: مادر دلسوز و اندیشمند به صلاح فرزندان هرگز دست به آلودگی و مفسده نمی‌زند.

۳۱. همان، ح (۲۵۷۰۹)

۳۲. همان، ح (۲۵۷۱۰)

۳۳. تحریم، ۱۱

اینجاست که حکمت تأکیدی شریعت بر رعایت کامل وفاداری ازسوی زوجین به یکدیگر روشن می‌شود و اینکه چرا الزام آن‌ها به تعهداتشان موجب تجکیم میثاق خانواده می‌گردد. ازاین‌رو، قانون‌گذار حفظ حریم پاکدامنی را فقط به عنوان وظیفه‌ی حقوقی متقابل برای زوجین بر نمی‌شمارد، بلکه بی‌توجهی به آن را نه تنها بی‌اعتنایی به «حقوق الله» می‌شمارد، بلکه برای آن عقوبت دنیوی و اجرای حد قرار می‌دهد و در حقوق جزا برای جرم عدم وفاداری زوجین، غرامت خاص و سنگین وضع می‌کند. شارع مقدس هرگونه آزادی جنسی و ارتباط نامشروع را برای زن و مرد شدیداً نکوهش می‌کند و برای ارتکاب آن توسط زن و مردی که همسر دارند، مجازاتی تا اعدام در نظر می‌گیرد.

در این دسته از روایات، چند نکته مورد توجه است: اول، تأکید بر تمکین «خاص ازسوی بانو» و عرضه‌داشتن خود بر شوهر؛ دوم: عدم امتناع از برقراری روابط سالم زناشویی؛ سوم: منع از هرگونه برقراری ارتباط و التذاذ در محیط‌های اجتماعی و نگاه‌های هوس‌انگیز مسموم.

در فرهنگ اسلام، سه عنصر کرامت زن، مصلحت خانواده و سلامت جامعه از مهم‌ترین اهداف فرهنگی هستند و ازاین‌رو این سه عنصر حکمت بسیاری از احکام را روشن می‌کنند. می‌توان گفت، وظایف زوجین درست در راستای این اهداف شکل می‌گیرد. در نگرش اسلام، محیط‌های اجتماعی بایستی به گونه‌ای باشد که مبدأ رشد و بالندگی علمی، اقتصادی، فرهنگی و فیزی باشد. ازاین‌رو، تعاملات رفتاری و گفتاری و نحوه‌ی ایجاد ارتباط بایستی به گونه‌ای باشد که تأمین‌کننده‌ی این اهداف و زین قداست و حرمت حریم خانواده گردد. لذا، اگرچه در ظاهر محدودیت‌هایی از جهت کنترل در نوع نگاه، نوع سخن و نوع ارتباط هست، اما در دل این قوانین حریم، آزادگی، استقلال، منزلت و شرافت نهفته است. ازاین‌رو، مراد از تمکین و حصول رضایت همسر، صرف قرار دادن زن تحت اعمال غریزه‌ی جنسی مرد نیست، بلکه این تمکین اولاً خشوع در مقابل حکم کردگار حکیم؛ و ثانیاً عشق‌ورزی بی‌شائبه و پابندی به قداست خانواده است؛ و ثالثاً محکم‌ساختن میثاق ازدواج و کمک به انجام رسالت زن در برابر هستی است.

۱ - طبرسی در مکارم الاخلاق از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند: «شایسته ریست که زن بخوابد، مگر اینکه تماطی خود را بتمکین از شوهرش ابراز دارد؛ به این گونه که بانو با همسر خویش زی یک پوشش باشد و خود را از لباس عفاف که در مقابل دیگران دارد، خلع کند و بخشی از بدن خود را در تماس با بدن زوج قرار دهد. پس به این صورت اگر عمل کرد، عرضه بر شوهر محقق شده.^{۳۴}

مراد این است با تمسک به ظرافت‌های خاص رفتاری، شوهر را به سوی خود جلب کند.

۲ - رسول خدا (صلی الله علیه و آله): «مادران [باتوجه به روحیات لطیف و حساسی که دارند] به فرزندانشان واله و شویا و با آن‌ها بسطره مهربان هستند و اگر در سلوک خویش با شوهرانشان بعضی رفتارهای نامطلوب را انجام ندهند، قطعاً به آن‌ها گفته می‌شود که بدون حساب داخل در بهشت شوی.»

۳ - امام باقر (علیه السلام) فرمود: «خجیات حسان که خداوند در قرآن کریم از آن خبر داده است از زنان اهل درگی هستند و ایشان از حورالعین هم زیاترند و هیچ اشکالی ندارد که مرد به بدن بدون لباس همسر نظر نماید.»^{۳۵} امام (علیه السلام) در روایت دیگر می‌فرماید: «آلی لذت مرد غی از این است؟»^{۳۶}

۴ - محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند: «بانو نبای شوهر را [از تمکین خاص] منع نماید، اگرچه بر مرکب سوار باشد.»^{۳۷}

۵ - جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند: «بدترین زنان کسی است که در خلوت، شوهرش را از بهره‌مندی منع می‌کند.»^{۳۸}

۶ - امام باقر (علیه السلام) فرمود: «بهترین زنان کسی است که به هنگام خلوت با شوهر، لباس حلی را در کنار همسر درمی‌آورد.»

^{۳۴}. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۶، ح (۲۵۳۵۵)

^{۳۵}. همان، ص ۱۱۷، ح (۲۵۳۱۶)

^{۳۶}. همان

^{۳۷}. همان، باب نکاح، ح (۲۵۳۰۰)

^{۳۸}. همان، ح (۲۴۹۵۷)

۷ - رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «بهترین بانو کسی است که عفتی است در مقابل دیگران و به انقیاد شوهر در ارضای تمایلی جنسی دارد».

بحثی درباره ی تمکین و اطاعت کردن

معناهای تمکین: پذیری، قبول کردن، دست دادن، پابرجا کردن، بی‌دادن، قدرت دادن، احترام، اطاعت کردن و توانایی.

آنچه از این معاری بدست می‌آید این است که تمکین به ظاهر به معنای اطاعت شوهر است، اما در واقع به معنای بالایی و بزرگی و برتری است. وقتی ما به نوع وظیفه در تمکین و حدودی که کردگار حکم برای آن معین نموده است توجه می‌کنیم، می‌بینیم که این همان تمکین حکم خداست که در سبب آن عزت، بزرگی و کرامت انسانی قرار دارد. این همان ارزشمندی زن در نزد پروردگار و در نزد شوهر و در نزد مردم است که از متن بسطی از روایات هم همین معنا بدست می‌آید. در بسطی از متون روایی، درباره‌ی صفات ناپسند زن این عبارت به چشم می‌خورد: «الدُّلَّةُ فِي أَهْلِهَا الْعَزِيزَةُ مَعَ بَعْثِهَا»، (در برابر دیگران زبوری و خضوع بی‌جا بکاربردن و در نزد شوهر گردن‌کشی کردن و انعطاف نداشتن) این گونه کلمات مبین این است که انتقاد صحیح زن در مقابل رسالت خویش در خانواده، عزت و بزرگی او را در همه جا به دنبال دارد. البته، تمکین و اطاعت در مقابل شوهر فقط در راستای حکم خدا بر زن لازم است، نه الزام و پذیری هر حکمی، ولو غی‌منطقی و غی‌معقول یا حکمی مخالف حکم الهی.

اقسام تمکین: از آلت و روایات و متون اسلامی برمی‌آید که تمکین در دو بخش عام و خاص وجود دارد و تمکین خاص همان اذن استمتاع جنسی است. از آنجاکه اسلام دین اکمل است، در مقام پاسخ‌گویی به تمامی ریزها تماثلات و جهت دادن به آن بهترین روش‌ها را ارائه داده است. اینجا هم، درباره‌ی ارتباط زوجین و همکاری و تعاون دو جنس بهترین دستورات بهداشتی، اخلاقی و روایی را عرضه داشته است.

استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می‌گوید: «قانون خلقت زن و مرد را طالب و علاقه‌مند به یکدیگر قرار داده است، اما نه از نوع علاقه‌ای که به اشرفی دارند. علاقه‌ای که انسان به اشرفی دارد از خود خواهی او ناشی می‌شود، ... می‌خواهد آن‌ها را فدای خود و آسایش خود کند؛ اما علاقه زوجیت به این شکل است

که هر یک از آنها سعادت و آسایش دیگری را می‌خواهد، از گذشت و فداکاری درباره‌ی دیگری لذت می‌برد. عجیب است که بعضی از افراد نمی‌توانند مطلق شهوت و رأفت فرق بگذارند، خطل کرده‌اند که آن چیزی که زوجین را به یکدیگر بچسباند می‌دهد، منحصرأ طمع و شهوت است، حس استخدام و بهره‌وری است... این افراد گمان کرده‌اند که مرد به زن همیشه با آن چشم نگاه می‌کرده و می‌کند که احکماً یک جوان عزب به یک زن هر جایی نگاه می‌کند، عیبی فقط شهوت است که آن دو را به یکدیگر بچسباند می‌دهد! در صورتی که بچسبندى بالاتر از شهوت است که پایی وحدت زوجین را تشکلی می‌دهد و آن همان چیزی است که قرآن کریم از آن به نام‌های «مودت و رحمت» یاد کرده... چقدر اشتباه است که تاریخ روابط زن و مرد را فقط از نظر حس استخدام و استثمار و بر پایی اصل تنازع بقا تفسیری کریم و چقدر مهملات در این زمینه یافته شده است».^{۳۹}

ه: تمکین عام

غی از تمکین خاص، شارع موارد دیگری را نیز بر شمرده است که در آن ها زن باید از شوهرش اطاعت کند. به این موارد تمکین عام می گویند؛ برای مثال، شوهر می‌تواند به دلیل مصالح خانواده معاشرت‌های همسر را در رفت و آمد و خروج از منزل کنترل کند علی‌اینکه سکونت زن در منزلی که شوهر برای زندگی مشترک تدارک دیده است از وظایف زن محسوب می‌شود، مگر اینکه زن اخطار تعیین را به عنوان شرط ضمن عقد برای خود قرار دهد. البته، مرد هم بایستی در انتخاب مسکن برای زوجه رعایت اعتدال، عرف و شأن زن را بنماید و حق ندارد خودسرانه زن را در تنگنا و عسرت روانی مالی قرار دهد. به عبارت دیگر، رعایت مرد هم بایستی بر اساس اعتدال و رعایت مصلحت خانواده باشد، یعنی مرد حق حاکمیت بر اساس معروف و عدالت دارد، اما حق تحکم ندارد.

^{۳۹}. حقوق زن در اسلام، ص ۲۱۲

موارد عدم تمکین و تخلف از وظایف (نشوز زن)

۱ - سوء معاشرت، مانند بی‌اعتنایی به همسر طی تندخویی با او و رعایت نکردن شئون همسر در رفتار؛

۲ - عدم معاضدت در استحکام مبنای خانواده و بی‌توجهی به زندگی مشترک و امور فرزندان؛

۳ - خروج از منزل بدون اذن زوج؛

۴ - امتناع از رفتن به خانه‌ای که زوج برای زندگی مشترک انتخاب کرده است.

روایعی در باب تمکین

۱ - سعدان ابن مسلم از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند: در حدیث بی‌هت، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به زنان فرمود: «ای بانوان، گوش فرا دهی من در صورتی با شما بی‌هت می‌کنم که [در عرصه‌ی عقیده] شرک نوزنی و دست شما به سرقت و تعرض به مال دیگران دراز نشود و زنا نکنی و فرزندان خود را نکشی و دچار بهتان و تهمت‌زدن به یکدیگر نشوی و در امر شوهرداری در برابر آنچه عرف است با ایشان مخالفت نوزنی».^{۴۰}

در این روایت اطاعت از زوج به بی‌هت عرف آمده است، یعنی مرد حق ندارد برخلاف معاشرت به معروف و در جهت مخالف حکم خدا و رسول از همسر خویش اطاعت از چیزهایی را بخواهد که نه با عرف و سیره شایستگان همسویی دارد و نه با حکم خدا و بی‌اینکه موجب ضرر و ضراری عسر و حرج او می‌شود.

۲ - امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: خانمی به محضر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آمد و از حق زوج به زوجه سؤال نمود، ایشان فرمودند: «اینکه خانم اطاعت او را کند و با او به مخالفت و عصیانگری [و مشاجره در خانه] نپردازد؛ [چون رسالت زن ایجاد امری است نه اغتشاش]. بانوا مال شوهر و خانه‌ی شوهر چیزی نبخشد، مگر با مشورت و اجازه‌ی او، روزی مستحی نگردد، مگر با رضایت او و نسبت به شوهر دریغ نوزد... و از خانه‌ی او بدون اجازه‌ی همسر خارج نشود...».^{۴۱}

^{۴۰}. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ح (۲۵۴۵۱)

^{۴۱}. همان، ح (۲۵۳۰۰)

۳ - رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «زن با بهترین عطری که دارد، خود را خوشبو سازد و بهترین لباس هائیش را بر تن نماید و خود را در هر صبح و شام بر شوهر عرضه بدارد».^{۴۲}

۴ - امام صادق (علیه السلام) فرمود: «اگر خانم نمازهای پنجگانه یومی و روزه ی ماه رمضان را به جای آورد و حج بیت الله کند و وظائف خویش را در برابر همسر انجام دهد و معرفت به حق امامت داشته باشد، پس بهشت بر او واجب می گردد، از هر دری که بخواهد».^{۴۳}

۵ - امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر بانویی که با زبان خویش در صدد رنجش شوهر باشد (و زخم زبان بزند)، خداوند از این خانم کارهای رنجش را نمی پذیرد. مادام که زن ظالم و اذیت کار باشد دارای چهره سرنوشتی است. بداین هر بانویی که همراهی و رفیق و مدارا با شوهر را نداشته باشد و او را بر کارهایی وارد دارد که در توان و قدرت او نیست و طی بر اموری که تحمل آن بر شوهرش ممکن نیست، خداوند کارهای حسنه ی او را قبول نمی کند و درحالی پروردگار را ملاقات می کند که از او خشناک است».^{۴۴}

آنچه از مجموعه ای روایت به دست می آید، دقیقاً در راستای کلام خداست که می فرماید: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»^{۴۵} زنان با صلاحیت و مسلح به سلاح ایمان در راستای بندگی خدا به صلاح خانواده می اندیشند و آن گاه که شوهر در خانه و در کنار اوست، با با محبت رفتار می کند. اینان منشأ سکونت و آرامش اند، زی چشمه سار زلال عشق و عواطف انسانی از سرینه های پر عطف آنان روان و سرازری می گردد. آن ها در غیاب شوهر هم حفاظت از حیثیت خانواده پاسداری می کنند و برای تشییع سجایای اخلاقی می کوشند.

زن؛ محور به شرف اجتماع

اگر درون بگری سامان دهی نداشته باشد، بیون آن قطعاً متزلزل است. امروز، به اثبات رسیده است که احساسات و عواطف بذری است که طبیعت در سرشت بری آدم افشاندن است و این بذر به باغباری و آبیاری

^{۴۲}. همان، ح (۲۵۳۰۲)

^{۴۳}. همان، ح (۲۵۳۰۳)

^{۴۴}. همان، کتاب نکاح، ح (۲۵۴۵۴)

^{۴۵}. سوره ی نساء، آیه ی ۳۴

نیاز دارد و رسالت این باغباری بر دوش زن است. نقش عواطف به قدری است که می‌تواند روی عقل را با همه‌ی قدرت و نورانی‌تیش بیه‌تار کند. عقل و علم با تمام ارزش و گستره‌ای که دارد مانند عدالت سرد و بی‌روح است و این عواطف است که انسان‌ها را سرشار از جنبش‌ها، هیجان‌ها، گرمی‌ها، انعطاف‌ها و دوستی‌ها می‌سازد و حتی عقل را بارور می‌کند و به علم، لباس عمل می‌پوشاند. اگر به دیده‌ی دقت بنگریم، حقیقت ایمان هم حب و عشق به خوبی‌ها و خوبان است، چنانچه می‌فرماید «و هَلْ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ...»^{۴۶} اینجاست که نقش تعیین‌کننده و بالنده‌ی مادر و همسر در القای چهره‌ی روح‌های در افراد خانواده روشن می‌گردد و فلسفه‌ی تمکین او در برابر حکم خدا در انجام وظایف همسری آن است که می‌خواهد دیگران را متمکن و مستغری سازد.

زن رسالت انسان‌سازی دارد و کارش در رتبه‌ی کار معلمان و مصلحان و رهبران جامعه‌ی بشری است. خانه دانشگاه و پرورشگاه و مدرسه‌ای است که کلاس آن دامن پر عشق و عطوفت مادر است. حال آلی ممکن است دانشگاه بشریت را خالی از مری آن سازیم و بگوییم خانه به حضور مادرانه نیازی ندارد؟ اینجاست که در روابط متعدد بر اذن و ایجاد هماهنگی لازم در خروج مادر از منزل شده است، زی‌الزمه‌ی رسالت پدر و انضام مسئولیتش که اداره‌ی زندگی و مدیریت است، در خانه ماندن بیست و روح‌کشت او هم اقتضای این را ندارد. حال که خواه‌وناخواه مری‌گری و تدبیر و تنظیم امور منزل با زن است و خلأ نبودن او و تأخیرات رواری آن کاملاً مشهود است، در غلبه شوهر، رسالتی دوچندان دارد. باین توصیف، چگونه می‌توان به صرف توسعه‌ی نگرش‌های التقاطی و فمینیستی این گونه القا کرد که زن برای رفت‌وآمدش به تبادل نظر با شوهر و اذن در خروج نیازی ندارد و آلی می‌توان حقایق طبیعی زندگی را نادیده گرفت و بر پایی اعتبارات غی‌مستند، خانواده را به کام سقوط و انهدام سپرد؟

البته، هرگز این سخن بدان معنا نیست که ما حضور اجتماعی زن را نادیده بگیریم و او را از بهره‌مندی‌های لازم و شایسته‌اش منع کنیم، بلکه با حفظ سمت مادری و همسری، زن باین در رفع مشکلات علمی، سرکاری، اقتصادی، اجتماعی جامعه نقش خود را به‌شایستگی ایفا کند؛ همان‌گونه که در الگوهای ممتاز دینی ما این چهره بوده است. برای مثال، به ابعاد زندگی دختر رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بنگرید که در خانه بهترین

^{۴۶}. اصول کافی، باب کفر و ایمان، بخش حب و بغض

همسر و ارزشمندترین مادر است و در عرصه‌ی علوم و خوض در آلت وحی، خطبه‌ی غرائش در مسجد مدینه نمودی از نقشی بی‌بدیل در عرصه‌ی فعالیت اجتماعی بیرون از خانه است.

از آنجاکه زن معلم و مربی انسان‌هاست و همچنین توانمندی زیادی در عرصه‌های علم و اندیشه و اخلاق دارد و تأثیری به‌سزایی در ارتقا خانواده دارد، پیوسته به تعالیم و تربیت نیاز دارد. چنان‌که عمومیت آلت مربوط به تعالیم و تربیت و تعالیمی چون «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ»^{۴۷} همین معناست. همچنین، موارد زیاد دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد اسلام برای ارتقای فکری و فرهنگی زن نقش زیادی قائل است. برای مثال، اسلام یکی از اقسام مهری را تعالیم قرآن قرار می‌دهد؛ طی این روایت: «إِلَکُم وَ تَزْوِجُ الْحَمَقَاءِ مُصَاحِبَتُهُمَا بَلَاءٌ وَ وَكَلَّهَا ضَرْبٌ»^{۴۸}، مهری از ازدواج با زنی که کوتاه‌فکر و احمق است پیره‌نیزی که مصاحبت با چنین زنی بلائی بزرگ است و فرزند او هم انسان ناکارا و کودن است. برای اساس، فقها کلاً نظر بر این داده‌اند که زن بای (حداقل) از واجبات دینی خویش و مسائل مبتلابه شرع آگاهی لازم را داشته باشد و حتی در فراگیری واجبات، اذن همسر ملاک نیست.

نتیجه

در پالمن و برای نتیجه‌گیری به خلاصه‌ای از وظایف الزامی و غی‌الزامی زن اشاره می‌کنیم:

الف: وظایف الزامی زن

- ۱ - حسن معاشرت و رفتار شایسته و موجب اطمینان شوهر؛
- ۲ - تمکین خاص زن و پاسخ‌گویی به حق استمتاع و کام‌جویی او؛
- ۳ - عفت و ورزی و حفظ پاکدامنی در حضور و غلب شوهر؛
- ۴ - ترک نکردن خانه و خانواده و خروج از منزل مگر به اذن شوهر؛

^{۴۷}. مصباح الشریعة / ۱۳ / الباب الخامس فی العلم.

^{۴۸}. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۸۳.

۵ - رعایت نظافت و بهداشت و بهائش و آرائش ظاهری؛

۶ - پذی‌ش محل سکونت شوهر برای زندگی مشترک، مگر آنکه به‌عنوان شرط ضمن عقد حق انتخاب مسکن را برای خود قرار دهد؛

۷ - عدم بخشش از مال شوهر، مگر با رضایت او.

ب: وظایف غی الزامی زن

۱ - برای حفظ مصالح خانواده حتی‌الامکان سازش نمایی و خانواده را به‌سوی صلاح سوق دهد؛

۲ - از آنچه موجب اذیت و آزار شوهر است پرهیز کند؛

۳ - در رفتاری‌ها و پستی و بلندی‌های زندگی‌ش طوری باشد؛

۴ - صبر و تقوا در زندگی‌ش بپوشد که در این عمل‌های برکات زاید است؛

۵ - خوب است بانو در کنار شوهر حلی را کنار بگذارد؛

۶ - خوب است بانو عبادات مستحبی را با اجازه‌ی شوهر بجا آورد و در تراحم عبادت و عرضه به شوهر دومی را انتخاب نماید؛

۷ - بر سوءاخلاق و آزار شوهر تا حد ممکن صبر و مدارا نماید؛

۸ - برای همراهی با شوهر کارهای داخلی خانه را در حد توان بعهده بگردد؛

۹ - در بالابردن سطح ارزش‌ها و عملی‌کردن آن‌ها در خانه بکوشد.

منبع: دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد